

برمی‌گزیند که بیشتر از دیگر آثار او متوجه قالب باشد. اما این روال ادامه نیافت و در عقاید یک دلقک در سال ۱۹۶۳، بل را به زبان پیش از بیلیارد ارجاع داد.

مخالفت با اوضاع سیاسی و کلیسای محافظه کار و متجر از زبان دلقکی به نام «شیر» بیان می‌شود. هاینریش بل از آن زمره نویسندگانی است که با نگارش مقالاتش درباره مسائل سیاسی، در مسائل سیاسی روز دخالت می‌کند. گونترگراس نویسنده هموطنش و برنده جایزه نوبل ۱۹۹۹ از این جهت خود را وامدار و پیرو بل می‌داند و افسوس می‌خورد که بل نیست تا خوشحالی او را از دریافت جایزه نوبل ببیند.

بل در جایی می‌نویسد: «برای من تعهد، لازمه نویسندگی است پایه و مایه آن است و چیزی که من بر این پایه بنا می‌کنم همان دریافت من از هنر است.» یا «جایی که آزادی مورد تهدید قرار گیرد، قلم مورد تهدید است و به عکس آبروی از دست رفته کاتارینا بلوم شاید یکی از عمیق‌ترین و امروزی‌ترین آثار بل باشد. با تامل بر نام دیگر این رمان یعنی: خسونت چگونه پا می‌گیرد و به کجا می‌انجامد این مسئله روشن می‌شود. خسونتی که از روش‌های خاص و نادرست روزنامه‌ای پا می‌گیرد و به آنجا می‌رسد که زنی جوان، ساده دل و درستکار را مبدل به قاتلی می‌کند.

وارد شدن در جهان بل ما را از موضوع اصلی پرت کرد. و جز این انتظاری نمی‌رفت. اما اکنون «بیلیارد» در هیات فارسی‌اش در اختیار ماست و ما می‌توانیم یک بار دیگر بل را از لابه لای سطور آن پیدا کنیم.

ترجمه این کتاب زیبا و خواندنی‌ست. مهمترین وجه مثبت این ترجمه، یکدستی آن است در این اثر خواننده فارسی در گیرودار فراز و فرود زبان مترجم قرار نمی‌گیرد گویانکه می‌توان مثلاً کل این ترجمه را امروزی‌تر از آنی کرد که هست و ناگفته پیداست که این را نمی‌توان از معایب یک ترجمه شمرد زیرا در این جا

دیگر صحبت سلیقه است نه درست یا نادرستی ترجمه. مثلاً در آغاز کتاب می‌توان در جمله «امروز اولین بار فہمل با او تندی کرد، بهتر بگویم تقریباً کار به خسونت کشید.» «با او تندی کرد» را «به او بی ادبی کرد» برگرداند یا اصلاً در سطر دوم «بود که» و «همان» را اصلاً حذف نمود. یا جای «قسمت» (س ۱۲) گذاشت «جمله» یا در سطور ما قبل آخر و آخر «نفسی به راحت کشید» و «ناز و نواز» را نوشت: «نفسی به راحتی» کشید. و «ناز و نواز» را نوشت: «شاید در این موشکافی‌ها و وسواس‌ها امکان نزدیک‌تر شدن به زبان هاینریش بل در این کتاب فراهم شود و مثلاً کاستن از کشیده شدن متن، به عبارت دیگر جلوگیری از «کش آمدن» متن و حذف برخی مترادف‌هایی نظیر «ادب و آداب» که بجای «Höflichkeit» (ص ۵ س ۳) آمده و کارهایی از این دست و فشرده‌گی که ما را تا حدی به این مقصود برساند.

اما تحقق همین «شاید» چیزی‌ست تعیین‌کننده که در عمل و با رودررو شدن با متن توانایی یک مترجم را آشکار می‌کند. و این مفروضات البته سرمویی از زیبایی متن نمی‌کاهد و همچون همه آثار این مترجم، این اثر را نیز جذاب و خواندنی می‌کند. برای مترجم آرزوی توفیق داریم.

پانویس‌ها:

۱- ادبیات امروز آلمان - توج رهنما - چشمه ۱۳۷۶، ص ۱۴۲

۲- همان ص ۱۴۴

۳- همان ص ۱۴۵

۴- تعبیری است از مایاکوفسکی شاعر مدرن روسی درباره خاستگاه هر شعر.

۵- آبروی از دست رفته کاتارینا بلوم، ترجمه شریف لنگرانی، خوارزمی س ۱۳۶۳، مقدمه

۶- مبنای مقایسه اجمالی متن کتاب زیر بوده است:

Heinrich Boell: *Billard um halb zehn*, Roman , dtr, Köln , 1974

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
رتال جامع علوم انسانی

«دیدرو» ی تازه‌تر

دنی دیدرو

گیتامی

عبد الله گوثری

کهکشان، چاپ اول: ۱۳۷۸

غالب کسانی که در آثار و آراء دنی دیدرو تحقیق می‌کنند او را آدمی لاقید و پراکنده‌گو و همه‌کاره می‌دانند. در نظر آنان فیلسوفان دیگری مانند ولتر و منتسکیو و ژان ژاک روسو مقامی بسیار شامخ‌تر از دیدرو دارند. اما گیتامی نگاهی دیگر به دیدرو دارد. او معتقد است که دیدرو آن طور که شاید و باید شناخته نشده است و معتقد است که تنوع عظیم افکار دیدرو و دامنه گسترده روحیات و سبک کار او آمیزه غریبی شده که غالب ذهن‌های ساده‌نگر که به دنبال جواب‌های قطعی هستند از آن گریزانند، چرا که نمی‌توانند او را در هیچیک از قالب‌های ذهنی خود بریزند.

درواقع هیچ حکم خدشه‌ناپذیری درباره دیدرو نمی‌توان داد. او نویسنده‌ای است که شور و شوق و تردید و بیزاری خوانندگانش را برمی‌انگیزد و این بستگی به زمینه‌های فکری و ایدئولوژیک و خلق و خوی خواننده دارد. او مانند تمامی نوابغ اصیل پر از تضادها و پیچیدگی‌هاست. خود دیدرو نیز هیچگاه نکوشیده این تضادها و پیچیدگی‌ها را در خود حل کند یا آنها را تخفیف دهد. او تمایلی به پناهنده‌گی به نگرش‌های انعطاف‌ناپذیر را نداشت و همواره ترجیح می‌داد که راه گزینش را برای خود باز نگاه دارد تا مبادا در تنگنای یک نظام ایدئولوژیک گرفتار شود.

گیتامی در کتاب کوچک «دنی دیدرو» که در سری «نسل قلم» منتشر شده است، سعی می‌کند جایگاه بالایی برای دیدرو در این چارچوب مهیا کند و مکتب‌های ادبی مدرن و شکسته شدن پیش‌داوری‌ها تا حدی درگرایش وی به این تلقی تازه مؤثر بوده است. گیتامی در تدوین این کتاب به تمامی جنبه‌های شخصیتی یا فکری و یا فعالیت‌های ادبی و فلسفی و علمی دیدرو نظر داشته است و از این جهت کتاب ضمن کم‌برگی جامع است، بخصوص اینکه خواننده فارسی زبان این اقبال را دارد که مترجم کتاب عبدالله گوثری است و کتاب را در نهایت زیبایی و روانی ترجمه کرده است، ولی با وجود این همه محاسن شاید این غبطه با بعضی از خوانندگان بماند که‌ای کاش کتاب با عکسی از دیدرو نیز همراه بود.

فرزانه خونکرم‌لا

در یک نگاه

کتاب ماه ادبیات و فلسفه / بهمن ۱۳۷۸